

فونک و صفا

۷۰۷

در صفت هوا و جمع هوزه طایری است هواطل بارانهای عظیم درشت و سخت متفرق هواقم جمع هوانا
 که حشرات باشد هوانان بالفتح خواری باشد هومش بفتح هاء جنبدین و برخواستن بفتحه و در شیدن و برآین
 وقت نمودن و عدد بسیار از هر ضری و اضطراب قوم هویاناء سهل و آسستی و وقار نیز باشد هویجا
 حرب و کارزار باشد هویون شتر و گویان است

حرف الیاء

یار شمشی بفتح سیم ترکی صلح و پویشکی و موافقت را گویند یارغو مواخذه و پرسش گنا
 و تقشیش آن باشد ترکی است یاسا بمغولی قاعده و قانون و سیاست باشد یاساق ترکی بعثت و تم
 و سفر و کت و مدوی که پادشاهان از رعیت کنند و روان شکر بدون موجب بوقت ضرورت و تیاری جنگ
 باشد یاسا میشی بمغولی پسندیده و نیز کار سازی و سرانجام کار باشد یاساور بضم و او ترکی صفا
 آرای باشد یا سچ بکسر سیم تریسکان دار یا تیری که پادشاهان نام خود بر آن نویسند و بضم سیم چیم فارسی نیز آمده است
 یام بمغولی سب چا پار و چا پار خانه را نیز گویند یتمیه هر چه ظریف و بی نظیر بود یراع بالضم فی قلم باشد
 یرت بالضم ترکی مقام و آرا نگاه و مقربا باشد یرغو بالفتح بمعنی یارخواست که گذشت یرکنغ بالفتح
 و الضم فرمان پادشاه و رحمت باشد مغولی است یرلیغیدن بمعنی یارگی باشد گویند ترکی است محرز
 اوراق گوید که این لغت در هیچیک از کتب معتبره دیده نشده و آنچه نوشته شد از کتاب غیر معتبر گفته که اول و آخر
 نداشت و مؤلفش نیز معلوم نبود یرک بفتح اول و ثانی مقده و پیشرو شکر و پاسبان و جاسوس را نیز گویند
 یسار تو انگری و دست چپ را نیز گویند یساور جهان یساور را گویند یسا اول صفا آرای باشد
 ترکی است یسون بالفتح و الضم ترکی دستور را گویند یسیر بمعنی قلیل باشد یسلا میشی بمغولی
 رهبری باشد یصاع توده بلند و فراز و فراخ باشد یلمق بفتح اول و سیم معرب یله است که قبا و جاش
 پوشیدنی باشد یلملم بفتح با و هر دو لام نام وادی و یا موضعی است که ابله بین در آنجا احرام بندند یلمه بفتح اول
 و ثانی بمعنی باور کرده و کج که مقابل رست است وزن قبه را نیز گفته اند و بمعنی بیوده و هرزه و تنها فرود
 و دو ان و آزان نیز آمده ینکه و نیکی بکاف فارسی نوز را گویند یورت بضم اول و او مجهول مقام
 و مقربا باشد ترکی است یوسا میشی بمعنی یاسا میشی است که گذشت یوسون ترکی و مغولی طریقه قانون
 گویند یسلاق ترکی مصیف را گویند که جای اندن تابستان باشد و چراگاه و میدان را نیز گفته اند
 بر پیشگاه ضمایر مد نظایر صاحبان بصایر مخفی دستور ناما که لغات غیر شایعه عربیه و فارسیه و ترکیه مستعمل در
 عبارات فارسیه و صاف الحضرة بترقیب و تنظیمی که بایست و ثابت جمع نموده گردید و با وجودیکه عین جمع

و ضبط آن کتب لغت متعدده از قبیل قاموس و کترو منتخب اللغه و شمس اللغه و فرہنگ جهانگیری و برہان
قاطع و فرہنگ ترکی و لغت مغولی و یک دو نسخہ دیگر از فرہنگهای قدیم ترکی کہ مؤلف آن معلوم نبود
مستوا و اوراق موجود بود ہنوز یک لغت عربی مادہ و چہار پنج فرعا کہ مواد آنها موجود بود یافت نشد و این

چند لغت ترکی و مغولی بدست نیامد فروع لغات عربیہ از روی قیاس

مادہ آن ضبط نمود و یک لغتی کہ مادہ آن مفقود بود ترک

و محل بر غلط کتاب کردہ لغات آیا

ترکی نیز ضبط را ترک نمود

شدہ بہت افسوس

خام

۱۲



آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعاد
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ جو یہ دیرانہ لیا جائے گا۔